



پاسخ به سوالات کمیته فرهنگی دبیرخانه مجمع
تشخیص مصلحت نظام در رابطه با الزامات
فرهنگی مرتبط با اجرایی شدن سیاست های کلی
اصل ۴۴ قانون اساسی

پاسخ های تقدیم شده حاصل ده سال بررسی و تعقیب
متون مطرح شده درباره خصوصی سازی و تصدی گری
بخش خصوصی در اقتصاد ملی است. لذا مطالعه آن
صمیمانه توصیه می گردد.



محسن خلیلی

رئیس کمیسیون صنعت اتاق تهران

بهمن ماه ۱۳۸۶

بنام خدا

۱- خلاء های موجود در فرهنگ عمومی کشور برای اجرا شدن گذار اقتصادی از دولتی به غیر دولتی چیست؟

▪ گذار از یک اقتصاد دولتی به غیر دولتی بدون فرهنگ سازی در سطح ملی میسر نیست. قدم اول فرهنگ سازی، فراخوانی و اطلاع رسانی مناسب جهت تفهیم نهضت دولت زدایی از اقتصاد به عموم مردم مخصوصا فرهنگیان، دانشگاهیان، دانشجویان، دانش آموزان و سایر گروه های ذینفع در مالکیت اموال عمومی و انتقال این فرهنگ از طریق آنان به سایر اقشار جامعه است. در واقع با دادن آگاهی به مردم این بینش و نگرش را در جامعه حاکمیت کنیم که به نفع همگان است که دولت از اقتصاد کنار بکشد و اقتصاد خصوصی محور مبنای کار قرار گیرد. در این راستا فرهنگ ارزش گذاری کارآفرینی، احترام به مالکیت، محترم شمردن سرمایه و سرمایه گذاری، ارج گذاری فعالیت اقتصادی، درک ارتباط و نقش و مزیت فعالیت بخش خصوصی در تامین نیازهای جامعه و ایجاد اشتغال و درآمد و کسب رشد و توسعه اقتصادی، و نیز آماده کردن فضای اقتصاد برای رشد بخش خصوصی از الزامات گسترش فرهنگ عمومی کشور برای مشارکت عموم در نهضت دولت زدایی از اقتصاد و گذار به اقتصاد غیر دولتی است.

- ارائه رهنمودها و توصیه های سازنده به جامعه برای دور اندیشی و پرهیز از شتاب زدگی و فاشکیبایی در رویارویی با تحولات ناشی از اجرای فرآیند گذار.
- کمک به شفاف سازی ضوابط معیارها و شیوه های اجرای فرآیند گذار به عنوان گامی ضروری برای تضمین سلامت کارها.
- تشویق مردم به سرمایه گذاری هر چه بیشتر در شرایط گذار از اقتصاد دولتی به غیر دولتی.
- برگزاری همایش های گوناگون برای نقد و بررسی چگونگی انتقال از اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی.

۳- برای افزایش بهره وری، تولید ثروت، رقابت در کیفیت، صرفه جویی، جلوگیری از حرام خواری، قناعت و ... چگونه باید ساختارهای اجتماعی را جهت دهی نمود؟

▪ برای دستیابی به موارد مورد اشاره، ساختارهای اجتماعی را باید برای به میدان آوردن سرمایه های پراکنده بخش خصوصی جهت دهی نمود که تحقق این امر منوط به ایجاد فضای مساعد کسب و کار در کشور است. فضای مساعد کسب و کار نیز خود تحت تاثیر عواملی چون گستردگی سلامت بازارهای مالی، محیط اقتصادی کلان، میزان باز بودن اقتصاد، اندازه و کارایی دولت، زیر بناهای فیزیکی، انعطاف پذیری نیروی کار، تکنولوژی ارتباطات و

اطلاعات ، زیربناهای علمی و تکنولوژیکی، محیط سیاسی و اجتماعی ، و رقابت و انحصار است. بنابراین تا زمانی که جهت دهی ساختارها در راستای توسعه بخش خصوصی قرار نگیرد و ریسک سرمایه گذاری کاهش نیابد، صاحبان سرمایه در امر تولید سرمایه گذاری نخواهند کرد و افزایش بهره وری، تولید ثروت، رقابت در کیفیت و ... تحقق نخواهد یافت.

۴- برای تشویق سرمایه گذاران و انگیزه مند نمودن نیروی کار چه اقدامات فرهنگی باید صورت بگیرد؟

▪ متأسفانه برغم بیش از یکصد سال سابقه ورود اقتصاد ایران به دوران مدرن هنوز عده ای در کشور وجود دارند که حمایت از سرمایه گذاری بخش خصوصی را ضد عدالت می دانند. در حالیکه امروزه در بخش خصوصی، سرمایه گذارانی که اخلاق مند و ارزش مدار هستند و مقوله سرمایه داری و سرمایه گذاری را با اخلاق، منافع ملی و فرهنگ ملی پیوند می زنند کم نیستند. لذا باید با فرهنگ سازی و اصلاح نگرش و بینش موجود در کشور درباره ثروت آفرینی و کارآفرینی، زمینه را برای این سرمایه گذاران اخلاق مند و ارزش مدار که دوست دارند با جان و دل فعالیتی را توسعه دهند ، فراهم کرد. باید موانع بینشی و نگرشی را از سر راه سرمایه گذاری و

کارآفرینی برداشت و برای مردم توضیح داد که برای بالندگی اقتصادی هم کار و کارگر و هم سرمایه گذار و کارآفرین باید محترم شمرده شوند. باید با سرمایه گذاران بخش خصوصی هم در نظر و هم در عمل مهربان بود. بنابراین تا زمانی که نگاه منفی به سرمایه گذاری در کشور اصلاح نشود نمی توان انتظار داشت که سرمایه گذار انگیزه مشارکت در کارهای تولیدی پیدا کند.

۵- برای جلوگیری از انحراف و فساد اقتصادی ناشی از عملکردهای اقتصادی دولتی، تعاونی و خصوصی چه اقدامات فرهنگی - اجتماعی باید صورت پذیرد؟

▪ حاکمیت قانون و ایجاد فضای حقوقی مناسب، ایجاد انگیزه های کار و تلاش و مسئولیت پذیری در کارگزاران فعالیت های اقتصادی، ایجاد فضای رقابت و نوآوری، کاهش نارضایتی های ناشی از بوروکراسی و فشار دولت در فعالیت های اقتصادی، کاهش مداخلات اداری دولت در اقتصاد، جلوگیری از ایجاد انحصار و رانت اطلاعاتی، ایجاد فرصت های برابر برای همگان جهت مشارکت در فعالیت های اقتصادی، دسترسی یکسان به اطلاعات و وجود شفافیت اطلاعاتی، شفاف سازی قوانین و اصلاح مقررات و روش ها، شفاف نمودن عملکرد بنگاه ها، رفع تبعیض و موانع رقابت، تعریف اصول و موازین ورود به

کسب و کار ، و تدوین قوانین و مقررات ضد انحصار، از جمله عوامل و اقداماتی است که می تواند موجبات کاهش انحراف و فساد اقتصادی را فراهم آورد.

۶- برای اینکه بخش خصوصی اعتماد لازم را جهت خرید شرکتهای دولتی بکند، چگونه باید اطلاع رسانی و تبلیغات نمود؟

■ در این خصوص بایستی اطلاع رسانی آزاد و صحیح در مورد موضوع و نحوه واگذاری شرکتهای دولتی به گونه ای صورت پذیرد که انحصارات دولتی روشن و شفاف اعلام و به حداقل ممکن محدود گردد، حیطة بازارهای رقابتی که حضور بنگاههای دولتی و شبه دولتی در آن ها کاملاً ممنوع است تعریف شود، حیطة واگذاری شرکت های دولتی به بنگاه ها و نهادهایی که اگر چه ظاهراً دولتی نیستند ولی عملاً دولتی هستند مانند نهادها- صندوق ها- سازمان تامین اجتماعی و ... مشخص و روشن گردد، و نیز اقدامات تخصصی و کارشناسی جهت آماده سازی سهام مناسب برای عرضه در بازار به جای عرضه عمومی سهام مثلاً تهیه سبد سهام - انتخاب شرکای استراتژیک- انتخاب شرکای خارج و ... انجام شود.

۷- موانع فرهنگی حضور بخش خصوصی در عرصه واگذاری شرکتهای دولتی چیست؟

▪ زیر سوال بردن دائمی و همیشگی بخش خصوصی، ایجاد تشویش و نگرانی دائمی و همیشگی برای ایجاد سرمایه و سرمایه گذاری بخش خصوصی، ضد ارزش نشان دادن هر گونه فعالیت اقتصادی بزرگ مقیاس در بخش خصوصی، وابسته نشان دادن هر گونه تشکیل سرمایه بزرگ مقیاس توسط بخش خصوصی، خطرناک نشان دادن فعالیت اقتصادی بخش خصوصی برای قشر فقیر و آسیب پذیر، نبود احترام نسبت به مالکیت خصوصی، نبود فرهنگ ارزش گذاری کارآفرینی، محترم نشمردن سرمایه و سرمایه گذار، ضد عدالت دانستن حمایت از سرمایه گذاری بخش خصوصی، و نگاه منفی به سرمایه داری و سرمایه گذاری بخش خصوصی، از جمله موانع فرهنگی حضور بخش خصوصی در عرصه واگذاری شرکت های دولتی است.

۸- برای فرهنگ سازی اقشار جامعه در رابطه با مسائلی همچون خمس، زکات، قناعت، پرهیز از کم فروشی، ربا و ... چه اقداماتی باید صورت پذیرد؟

۹- آیا به نظر شما روند اجرایی اصل ۴۴ یا رفتارهای مسئولین از روند اقتصادی موجب نابرابری، شکاف طبقاتی و افزایش انتظارات و نیازها گردیده است؟

▪ بطور کلی وقتی بنگاه دولتی را به بخش غیر دولتی واگذار می کنیم ، در سه جبهه باید نتایج و حاصل کار واگذاری را مشاهده کنیم. اول آنکه، محصول آن بنگاه واگذار شده باید در بازارهای جهانی قابل فروش باشد. دوم آنکه ، نیروی کار از بزرگتر شدن کارخانه و تزریق تکنولوژی جدید و فروش در بازارهای جهانی منتفع شده و سهمی از افزایش ارزش افزوده را در اختیار بگیرد تا بهترین کوشش خود را ارائه و بیشترین بازده و بهره وری را در جریان تولید داشته باشد. سوم آنکه در جریان واگذاری بواسطه کاهش هزینه های تولید و به تبع آن کاهش قیمت و نیز بهبود کیفیت ، منافی برای مصرف کننده بوجود بیاید . در این رویکرد مسئله انتقال مالکیت فرع بر این داستان است. حال اگر در روند اجرایی اصل ۴۴ چنین نتایجی قابل دستیابی نباشد این احتمال وجود دارد که نابرابری و شکاف طبقاتی بیشتر شود و یا هرگونه آثار و تبعات اختلالی دیگری در روند اقتصاد شکل گیرد . در هر حال قضاوت دقیق تر و صحیح تر نیازمند آزمون و بررسی اقتصادی بیشتر است.

۱۰- به نظر شما نتیجه اجتماعی - فرهنگی اقتصاد کارآمد (مثل عدالت اجتماعی ، رفاه عمومی ، افزایش تعالی روحی و معنوی) که مورد نظر اصل ۴۴ می باشد چیست؟

■ اساسا وقتی بحث از عدالت می شود بایستی توجه داشت که عدالت توأم با رشد اقتصادی، توانمند سازی افراد و بنگاه ها و ایجاد اشتغال و ارتقاء استاندارد زندگی باشد. در واقع هر شخص امکان کار و کسب درآمد و انباشت سرمایه داشته باشد. این عدالت مهم تر و ارجح تر از عدالتی است که برخی سیاست‌های حمایتی برای بالا آوردن افراد از زیر خط فقر دنبال می کنند. بنابراین مدیریت نظام بایستی به دنبال آن نوع از عدالت باشد که افراد به آن سطح از توانمندی برسند که بتوانند تحصیل درآمد کنند. در حالیکه توزیع سهام بنگاه های دولتی بین اقشار فقیر و کم درآمد به صورت رایگان و یا به قیمت اندک فقط جنبه حمایتی و آن هم در کوتاه مدت دارد و موجبات بهبود و ارتقای سرمایه انسانی را فراهم نمی آورد. از طرفی نیز این روش خصوصی سازی منجر به افزایش کارآیی اقتصادی نمی گردد و فقط تغییر شکل در مالکیت است.

